

اگر فرد یا جریانی ولایت فقیه را قبول نداشته باشد، نمی‌تواند مدعی باشد پیرو خط امام است.

مخالفت با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مخالفت با امام(ره) است؛



به گزارش اسپادانا خبر، حجت‌الاسلام مرتضی اشراقی، نوه امام خمینی (ره) در گفتگو با روزنامه جام جم می‌گوید: امروز نیز الحمد لله خلف شایسته حضرت امام خمینی(ره)، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی سکندار انقلاب هستند و بدانید که مخالفت با ایشان مخالفت با امام(ره) است و اگر کسی این حرف را قبول نداشته باشد پیرو امام(ره) نیست.

مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

با توجه به این که در آستانه 40 سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی هستیم، توصیف شما از روند حرکت نظام جمهوری اسلامی در طول این مسیر چیست؟ به نظر شما چه میزان آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب در روح و کالبد و ساختار نظام، درونی و محقق شده است؟

در ابتدای عرایض لازم است مقدمه‌ای را بیان کنم؛ انقلاب شکوهمند اسلامی در سال 57 مانند بسیاری دیگر از تحولات اجتماعی دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است. جنبه سلبی آن که مورد حمایت همه گروه‌ها و افراد دخیل در مبارزه انقلاب بود «نفی سلطنت و خودکامگی پادشاهی» بود به همین دلیل می‌بینیم جریاناتی که حتی درباره «وجود خدا» با هم اختلاف نظر داشتند، در نبود سلطنت و حکومتی غیر از حکومت برخاسته از متن مردم، با هم اتفاق نظر داشتند؛ اما از جنبه ایجابی یا همان «آرمان‌های انقلاب» اختلافات پیش از بهمن 57 نیز مشخص و کاملاً مشهود است. اما شعله‌ور شدن یکباره قیام مردم علیه رژیم منحوس پهلوی بعد از شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی و سریع‌تر شدن تحولات، اجازه بروز این اختلافات را درباره «چیستی آرمان» انقلاب نداد. در واقع عزم و اراده مردم و انقلابیون در خشکاندن ریشه سلطنت باعث شد تمامی اقشار جامعه که در بسیاری از موارد با یکدیگر تضاد منافع داشتند، حول محور رهبری حضرت امام خمینی(ره) در خیابان‌ها و در صفوف به هم پیوسته متحد شوند. در واقع باید گفت همه افراد و گروه‌های مختلف مبارز، با هر عقیده و نگاه، مصمم به تعویض شیوه حکومت در ایران بودند؛ زیرا خفقان موجود در آن دوران نحس باعث شده بود قاطبه مردم به چیزی جز تغییر رژیم سلطنت فکر نکنند. تصاویر راهپیمایی‌های سال 57 را نگاه کنید، روحانی سنتی حوزوی در کنار روشنفکر کراوات‌زده تحصیلکرده در اروپا، بانوی با حجاب در کنار یک خانم بی‌حجاب، یک کارگر در کنار یک بازاری، در یک مسیر با عزم و همدلی در حال حرکت هستند. پس وقتی ما با اینچنین حرکت فراگیری مواجه هستیم و می‌خواهیم از آرمان‌های این جماعت صحبت کنیم و در عین حال به حقیقت وفادار بمانیم، باید به دنبال یک یا چند محور کلی بگردیم تا بتوانیم به واقعیت تاریخی آن رازهای متکثر جامعه ایران وفادار بمانیم.

در جامعه آن روز ایران با هر مطالبه و هر اولویتی که داشت به این جمع‌بندی راسخ رسیده بود که «ساختار سیاسی سلطنت» اجازه دخالت جدی به طیف‌های مختلف جامعه برای مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه را نمی‌دهد و این دقیقاً در تقابل با پیام انقلاب بود که این حق را به رسمیت می‌شناخت.

البته همین جا این نکته را بیان کنم حق تعیین سرنوشت همزمان نقطه مقابل «استبداد داخلی» و «استعمار خارجی» است و در شعار هم «آزادی» و «استقلال» که دو شعار فراگیر انقلاب اسلامی بود در تقابل با همین دو مقوله ویرانگر اجتماعی قرار

می‌گرفت. جامعه ایران در آن روزها بر این باور بوده است که با داشتن «حق تعیین سرنوشت» می‌تواند سایر مطالبات خود را نیز محقق سازد.

حضرت امام خمینی(ره) وقتی می‌خواهند اساس رژیم پهلوی را نقد کنند بیان می‌دارند: «با روی کار آمدن رضاخان این سه اصل اسلامی در حکومت پایمال شد؛ اول اصل لزوم عدالت در حاکم اسلامی و دوم اصل آزادی مسلمین در رای به حاکم و تعیین سرنوشت خود و سوم اصل استقلال کشور اسلامی از دخالت اجانب» و دقیقاً همین نگاه است که تمامی جریان‌های کشور را حول رهبری امام عظیم‌النشان برای نیل به یک هدف والا بسیج می‌کند.

حال اگر بخواهم به اصل سوال شما برگردم که چه مقدار از این آرمان‌های انقلاب در روح و کالبد نظام محقق شده است از همین منظر به سوال شما پاسخ می‌دهم که باید امروز توجه کنید چه مقدار مردم «حق تعیین سرنوشت امور خود را دارند؟» باور من بر این است که روند کلی در دخیل بودن مردم در جهت تعیین سرنوشت خود کاملاً روزافزون و قابل دفاع و نیز در مسیر اهداف و شعارهای انقلاب و آرمان‌های آن است و با فاصله بسیار زیاد با رژیم سلطنتی و حکومت‌های مشابه در خاورمیانه است. از توفیقات نظام مقدس جمهوری اسلامی و برکات انقلاب اسلامی نهادینه شدن صندوق رای در تحولات سیاسی کشور است. این نهادینه شدن سازوکار صندوق رای ارزش تمام سختی‌ها و مشق‌اتی را دارد که این ملت برای پیروزی انقلاب کشیدند.

میزان مشارکت مردم در انتخابات مختلف نیز نشان می‌دهد جامعه ایرانی ارزش این دستاورد مهم را درک کرده است و نمی‌خواهد این محصول مبارک را از دست بدهد. از نظر «استقلال» نیز امروز جمهوری اسلامی یک کشور مقتدر در سطح منطقه و جهان به شمار می‌رود که به‌رغم خصومت‌های مختلف از سوی دشمنان قسم خورده انقلاب و اسلام در حال طی مسیر خود است. امروزه جمهوری اسلامی ایران با وجود رهبری مقتدرانه و حکیمانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تبدیل به یک کشور با ثبات و امنیت و تاثیرگذار در تحولات جهانی شده که این دستاورد از اتفاقات میمون انقلاب اسلامی است.

پس در نتیجه جمهوری اسلامی ایران در بعد استقلال سیاسی، تحکیم هویت ملی و دینی و کوتاه کردن دست اجانب از کشور، توفیق اساسی و غیرقابل انکار به دست آورده که همه این اتفاقات با وجود رهبری حکیمانه ولایت فقیه رخ داده است.

اما باید عرض کنم در همین‌جا که در بعضی امور هنوز مسیر در پیش داریم؛ امروز در جامعه ما مهم‌ترین مسأله‌ای که مطرح است مشکلات اقتصادی موجود در کشور است. در سال‌های اخیر رکود و بیکاری به موضوع اول کشور بدل شده و تداوم این وضع برای مردم دشوار است.

در اینجا وظیفه دولت مستقر، رفع این معضل است؛ دولت باید پویاتر و با برنامه‌تر و جدی‌تر عمل کند؛ دولت مستقر در زمینه حوادث غیرمترقبه و بروز بحران‌ها نظیر زلزله، ضعیف عمل کرد که این باعث نارضایتی عمومی از ایشان شد و نیز در بحث رفع رکود حاکم بر اقتصاد کشور به‌نظر می‌رسد مسیر صحیحی را انتخاب نکرده و از مدیران توانمند بهره نمی‌برد؛ به‌نظر می‌رسد دولت برای مهار تورم کلیت اقتصاد کشور را قربانی این هدف قرار داده که امیدوارم با تصحیح این روش به سوی جامعه پویای اقتصادی قدم برداریم.

نظام جمهوری اسلامی در طول مسیر 40 ساله خود، از گردنه‌ها و بحران‌های مختلفی به سلامت عبور کرده است، راز این مانایی و استحکام چیست؟ به نظر شما نقش ارزش‌ها و آرمان‌های این انقلاب (به عنوان روح و جوهره نظام) در این استحکام بیشتر است یا ساختار نظام جمهوری اسلامی؟

پاسخ این پرسش شما به نوعی در بخشی از سوال قبل داده شد. وقتی جامعه به این پاور رسید که حق تعیین سرنوشت در ساختار سیاسی وجود دارد به مقابله با هر چه این ساختار را تهدید کند برمی‌خیزد و از آن محافظت می‌کند. تمام بحران‌ها و چالش‌هایی که نظام جمهوری اسلامی موفق به عبور از آن شده جز با همراهی مردم نبوده است. از سویی جمهوری اسلامی، خیل عظیم مردمی عاشقان نظام اسلامی را دارد که حاضر به جانفشانی برای آرمان‌های آن هستند. از سویی دیگر نباید فراموش کرد ولایت فقیه اسلامی دلیل محکم و قوی بر استحکام نظام است.

همچنین در مانایی انقلاب ارزش‌ها و آرمان به عنوان یک بال و نیز ساختار سیاسی موجود به عنوان بال دیگر به طور مساوی نقش ایفا می‌کنند. به طور خلاصه باید بگویم رمز مانایی و استحکام نظام اسلامی حضور گسترده مردم در تمامی عرصه‌ها در زیر چتر و هدایت حکیمانه ولایت فقیه است که ستون فقرات نظام محسوب می‌شود.

به اعتراف دوست و دشمن، یکی از علل مهم قوام جمهوری اسلامی در عمر 40 ساله خود، وجود و حضور رهبری و ولایت فقیه در راس ساختار سیاسی - اجتماعی کشور بوده است. کمی درباره عمق نگاه استراتژیک و راهبردی امام راحل(ره) به عنوان مبدا و مبدع ایده ولایت فقیه در حکومت‌داری توضیح دهید.

با نگاهی گذرا به تاریخ فقه سیاسی در می‌یابیم مسأله ولایت فقیه در تمام اعصار شیعه به نحوی وجود داشته است و علما و فقها هر جا که فرصتی مناسب برای پیاده و اجرا کردن احکام الهی به دست می‌آمده به این امر مهم همت گمارده‌اند.

به همین دلیل امام(ره) در حقیقت مبتکر نظریه ولایت فقیه نبوده‌اند بلکه ادامه دهنده راه فقهای پیشین هستند.

ایشان در واقع مبحث ولایت فقیه را در خلال مباحث فقهی کتاب «بیع» در بهمن 1348 در 13 جلسه درس خارجشان مطرح

کرده‌اند ولی این‌گونه هم نبود که از چارچوب فقه خارج نشوند بلکه ضرورت ایجاد حکومت اسلامی را به رهبری ولی فقیه، در علم کلام ثابت کردند.

کاری که امام(ره) کردند این بود که بحث ولایت فقیه را از قلمرو فقه بیرون آورده و به جایگاه اصلی‌اش که مساله کلامی است نشانند.

حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی در همین رابطه می‌فرمایند: ابتکار امام خمینی(ره) در دین و فقه‌شناسی نه مانند سایر اخباریون بود که از روزه زبون تاجر به آن می‌نگرند و نه مانند اصولیون بود که از تنگنای مباحث الفاظ و اصول عملیه در آن نظر می‌کنند، بلکه دین‌شناسی امام در فقه اصغر و اوسط و اکبر تابع دین‌شناسی امامان معصوم(ع) بوده است.

امام(ره) با نگارش کتاب کشف الاسرار در سال 1323 شمسی ضمن پاسخگویی به اتهاماتی که نویسنده اسرار هزارساله و دیگران به اسلام زدند حمله به رژیم پهلوی را نیز به نحو بارزی آغاز کردند.

امام در کتاب کشف الاسرار خود می‌فرماید: «خدای عادل هرگز تن دادن به حکومت ظالمان را نمی‌پذیرد؛ تنها حکومتی که خرد و شرع آن را حق می‌داند حکومت خدا یعنی حکومت قانون الهی است و این نوع حکومت اگر به دست فقیه هم نباشد باید حکومت براساس و قانون الهی که صلاح کشور و مردم در آن است اداره شود و چنین حکومتی بدون نظارت فقها امکان‌پذیر نیست.»

ایشان به عنوان ابداع‌گر فرضیه انقلاب دینی طغیان علیه مناسبات غاصبانه و مستقر را نه تنها مجاز بلکه وظیفه واجب همه مسلمانان برمی‌شمارند.

از این زاویه، تفاوت نگاه حضرت امام(ره) با بعضی از فقهای پیش از او هرچه بیشتر آشکار می‌شود؛ زیرا یک گروه، براندازی حکومت‌های موجود را اگر با ضرر و خطر همراه بود واجب شرعی و لازم عقلی نمی‌دانستند و اصولاً مبارزه با ستم را نوعی نهی از منکر تلقی کرده و انجام آن را تحت شرایطی ویژه که مهم‌ترین آن در پی نداشتن خطر جانی بود مطرح می‌کردند، در حالی که امتیاز برجسته امام(ره) این بود که ایشان مبارزه با ظلم را به هر قیمتی واجب می‌شمردند.

از نگاه امام(ره) اگر منکر، ظلمی کلی و فراگیر بود نهی و مبارزه برای انهدام آن حتی اگر به کشتار و شهادت منتهی می‌شد واجب دانسته شده و این معنایی جز انقلاب نداشت. امام(ره) با این دیدگاه وارد مبارزه با رژیم ستمشاهی شدند.

به این ترتیب اندیشه تاسیس حکومت اسلامی از آغاز مبارزات مورد نظر امام(ره) بود ولی اولویت با ساختن و تربیت عناصر آگاه و یاران همدل بود، کاری که با جو آن روز هم شجاعت می‌خواست و هم نیاز به زمان داشت.

امام(ره) با این نگاه به مبارزه با رژیم سلطنتی پهلوی پرداخته و سرانجام نیز به پیروزی نهایی رسیدند و پایه‌گذار حکومتی اسلامی به شکل و محتوایی نوین و سازگار با متد حکومتداری روز، جمهوری اسلامی را بر پا کردند.

امام(ره) با تشکیل جمهوری اسلامی به جهانیان ثابت کردند می‌توان حکومتی اسلامی تشکیل داد که با آراء و نظر مستقیم مردم و تحت رهبری ولایت فقیه شکل بگیرد و با تشکیل جمهوری اسلامی این وعده الهی را محقق ساختند.

پس در نتیجه حضرت امام خمینی(ره) مبدع اندیشه ولایت فقیه نبوده‌اند بلکه بسط دهنده و محقق کننده این الگوی حکومتی بوده‌اند. امروز اگر بخواهیم به طور عینی به کارکرد ولایت فقیه نگاه کنیم، مهم‌ترین کارکرد این ساختار در جمهوری اسلامی «حفظ همبستگی ملی» و «ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های خارجی» است.

همچنین باید اشاره کنم ولایت فقیه با تعبیری که بیان کردم جزو اساس تفکر سیاسی حضرت امام(ره) است و اگر فرد یا جریانی این الگو را قبول نداشته باشد، نمی‌تواند مدعی باشد پیرو خط امام است. امروز نیز خلف شایسته حضرت امام خمینی(ره)، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی سکندار انقلاب هستند و بدانید که مخالفت با ایشان مخالفت با امام(ره) است و مخالفان ایشان در حقیقت با امام مشکل دارند. اگر کسی این حرف را قبول نداشته باشد، پیرو امام(ره) نیست.

شما به عنوان یکی از اعضای بیت شریف امام خمینی(ره) از نزدیک با این شخصیت بزرگ آشنایی داشته اید، شفاف‌ترین تصویری که می‌توانید از امام عزیز برای دهه هشتادی‌ها ارائه کنید، چیست؟

شفاف‌ترین تصویری که از امام می‌شود عنوان کرد، این است که امام یک خدا باور به معنای حقیقی کلمه بودند؛ خداباوری ایشان در لحظه لحظه زندگی سیاسی، اجتماعی و فردی ایشان آشکار بود؛ زندگی ساده و بی‌آلایش امام نشانی از خداباوری ایشان است؛ امام بشدت از تجمل و تشریفات پرهیز داشتند و آنها را سم مهلک و طاغوت می‌دانستند. امام در طول حیات طیبه خودشان هرگز هیچ چیز را برای خود نمی‌خواستند و هر آنچه را انجام دادند برای رضایت خداوند بود.

بهترین راه شناخت دقیق شخصیت و اندیشه امام راحل(ره) چه از حیث شخصیت فردی و چه از لحاظ سیاسی، اجتماعی، علمی و فقهی، چیست؟

در اندیشه امام(ره) اعتقاد راسخ به اسلام، باور به آزادی مردم در حق تعیین سرنوشت، مقابله با زورگویی و ایستادگی در مقابل تهدیدات خارجی، جدیت در تحقق عدالت اجتماعی، ایمان به توان مردم و مبارزه در برابر استکبار جهانی و ... جزو ارکان جدایی ناپذیر تفکر امام(ره) است که باید توسط متفکران بسط داده شود.

یکی از شیوه‌های شناخت امام(ره)، مطالعه اندیشه‌های ایشان و بعد خاطرات یاران و اطرافیان ایشان است که هر دو مورد در دسترس است. اما باید توجه کنیم مهم‌تر از گزاره‌های امام(ره) درباره مسائل، شناخت شیوه تفکر حضرت امام(ره) است. همه علاقه‌مندان به امام(ره) باید متوجه این موضوع باشند که اندیشه و افکار امام(ره) را از راه و طریق صحیح و مستقیم باید به دست آورند و مراقبت از اندیشه و تفکر حضرت امام خمینی(ره) تکلیفی شرعی به عهده همگان است. امروز بهترین و مطمئن‌ترین شخصیتی که می‌توان برای پیگیری راه و اهداف امام(ره) به آن رجوع کرد، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، خلف شایسته ایشان است. دقیق‌ترین شیوه برای دستیابی به اندیشه حضرت امام(ره) را باید از بیانات حکیمانه خلف شایسته ایشان پیگیری کرد، زیرا انتخاب ایشان به رهبری بعد از امام(ره) با اشاره و تاکید شخص حضرت امام(ره) بود که با وجود افراد دیگر در آن زمان، نظر ایشان به شایسته‌ترین، شجاع‌ترین، لایق‌ترین و آگاه‌ترین شاگرد خودشان بود.

مطمئن‌ترین و امن‌ترین مسیر برای ادامه راه امام کدام است؟

بهترین و امن‌ترین راه برای ادامه مسیر امام (ره)، اعتقاد و باور به مردم در سایه هدایت و رهبری ولایت فقیه است که نقش ستون فقرات نظام را دارد. این را باید دانست در اندیشه حضرت امام(ره) ولایت فقیه پایه و اساس کشور است و پشتیبانی از ولایت فقیه، ضامن آرامش و امنیت کشور می‌شود. باور اینجانب بر این است که اصل‌ترین و امن‌ترین مسیر برای ادامه راه امام(ره) خط اصیل انقلاب است آن هم به دور از دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی.

رهبر انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال امام، یکی از تهدیدهای جدی را برای انقلاب «تحریف امام» ذکر کردند؛ بهترین راه برای جلوگیری از این تحریف کدام است؟

من در جاهای مختلف این مطلب را ذکر کرده‌ام که متأسفانه امروزه تفکرات حضرت امام(ره) به صورت هدفمند تحریف می‌شود. امروز هم گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از جایگاه والای حضرت امام(ره) در میان مردم و نخبگان جامعه، باخبرند؛ لذا هرکدام می‌خواهند به نحوی خود را به ایشان نزدیک‌تر کنند. اما چون گهگاهی نزدیکی به تفکرات حضرت امام(ره) را در تضاد با تفکرات و منافع شخصی و جناحی خود می‌بینند خوانشی از تفکر و اندیشه امام(ره) را ارائه می‌کنند که با واقعیت تفکری ایشان متفاوت و گاهی متناقض است.

پس همان‌طور که در سوال قبل عرض کردم اگر با شیوه تفکر و روش به دست آوردن تفکر صحیح ایشان آشنا شویم، می‌توانیم تحریفات بر اندیشه ایشان را نیز متوجه شویم و جلوی آن را بگیریم. رجوع به فرد شایسته برای به دست آوردن تفکر اصیل حضرت امام (ره) مطمئن‌ترین روش برای جلوگیری از تحریف تفکر ایشان است و در حال حاضر رجوع به تفکرات، اندیشه و گفتارهای حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی بهترین شیوه برای پیشگیری از تحریفات هدفمند تفکرات اصیل امام خمینی است. هدف دشمن از تحریف اندیشه حضرت امام، به بیراهه کشیدن انقلاب است. امروزه متأسفانه همگان شاهد آن هستیم که عده‌ای درون کشور با قلب حقیقت کلام و اندیشه امام(ره) قصد دارند امام جدیدی به جامعه معرفی کنند تا با این روش به اهداف کوچک شخصی یا جناحی خود برسند که البته با وجود ولایت فقیه که شاگرد و خلف شایسته امام(ره) است، هرگز به این هدف شوم خود دست نخواهند یافت. البته تحریف اندیشه امام(ره) صرفاً به معنای دست بردن در گفته‌های امام(ره) نیست بلکه وقتی به بعدی از تفکرات ایشان توجه و از ابعاد دیگر غفلت شود به تحریف تفکر امام(ره) دست زده‌ایم. امام(ره) شخصیتی جامع‌الاطراف بودند که باید تمام ابعاد تفکری ایشان را ملاحظه کرد و نمی‌شود صرفاً به یکی از اندیشه‌های امام اتکا داشت و بقیه را مطرح نکرد.

آینده و افق انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به‌رغم همه سختی‌ها روز به روز در حال پیشرفت و تعالی است و همگان چه دوست و چه دشمن به آن اذعان دارند. نظام مقدس جمهوری اسلامی در تمام ابعاد سیاست داخلی، خارجی، پیشرفت‌های علمی و ... در حال پیشرفت است و تا وقتی اداره امور کشور مردم محور و در سایه هدایت ولایت فقیه باشد، این نظام با صلابت پابرجاست.

به عنوان آخرین سوال، وقتی دلتان برای امام تنگ می‌شود به چهره چه کسی نگاه می‌کنید؟

وقتی دلم برای امام(ره) تنگ می‌شود از افراد خانواده امام(ره)، مادرم چه از لحاظ اخلاقی و معنوی و چه از لحاظ روش و بینش، نزدیک‌ترین شخص به امام(ره) می‌ماند پس بنابراین به نظاره ایشان می‌نشینم.

برچسب‌ها: [رهبر انقلاب](#) [1]

[انقلاب](#) [2]

[ولایت فقیه](#) [3]

